شهرآرا
روزنامه شهرامید وزندگی
شنبه
۳۱ خرداد ۱۳۹۹
۲۸ شوال ۱۴۴۱
شماره ۳۱۳۰
SHAHRARANEWS.IR

حادثه‌مرگ‌بار برای اتوبوس میانماری

میانمار | برنا | یک اتوبوس سریع‌السیر در شهر ناونگکیو میانمار، به دلیل نقص فنی در سیستم ترمز دچار حادثه و در یک جاده کوهستانی واژگون شده و به پایین جاده پرتاب شد. با حضور امدادگران و کمک به محبوس‌شدگان در این اتوبوس مشخص شد ۳ مسافر جان‌باخته و ۱۳ نفر دیگر نیز زخمی شده‌اند.

شکار افعی ۵ متری

آمریکا | ایسنا | با دیده شدن یک مار افعی غول‌پیکر در منطقه اورگلیدز فلوریدا در آمریکا، موضوع به یک مرکز نجات حیات وحش اطلاع‌رسانی شد. مایک کیمل مالک این مرکز با حضور در منطقه برای به دام انداختن این مار بزرگ وارد میدان شد اما این افعی پنج‌متری در همان لحظات اولیه ضربه سختی به بازوی او وارد کرد که موجب خون‌ریزی شدید شد. با این حال کیمل موفق شد این افعی را به سمت قایق خود برگرداند و آن را با تزریق دارو و بدون درد بکشد.

کشته‌شدن ۱۰ دانش‌آموز افغانستانی

افغانستان | مهر | پنجشنبه گذشته در پی وقوع یک انفجار در مدرسه‌ای واقع در شهرستان اشکمش ولایت تخار در افغانستان ۱۰ دانش‌آموز کشته و تعدادی زخمی شدند. پلیس تخار تعداد کشته‌شدگان را تایید و اعلام کرده قربانیان، دانش‌آموزان زیر ۱۸ سال هستند. همچنین پلیس درباره علت انفجار اعلام کرده‌است که دانش‌آموزان این مدرسه در حال جابه‌جایی چاشنی گلوله‌ای بودند که از قبل روی زمین باقی‌مانده بود که ناگهان این حادثه رخ داد.

۱۱ کشته در سیل نیجریه

نیجریه | آناتولی | به گزارش رسانه‌های نیجریه بر اثر بارش شدید باران و جاری شدن سیل در ایالت آکوا ایبوم این کشور ۱۱ نفر جان خود را از دست داده و تعداد زیادی مفقود شدند. همچنین این سیلاب به ۱۰۰ واحد مسکونی آسیب زده است و بیش از ۳۰۰ خانواده مجبور شده اند منازل خود را به مقصد مناطق مرتفع‌تر ترک کنند. مقامات نیجریه از آغاز عملیات جست وجو و نجات مفقودین خبر دادند. احتمال دارد که شمار قربانیان این حادثه که طی ۳ روز اخیر ادامه دارد، افزایش یابد.

پنجره‌های بی‌حفاظ (قسمت اول)

ایلیا موسایی

پرده اول : فرزانه عروس خانواده، کمی هیکل خپلی داشت که به قول خودش فقط یک پرده گوشت بود و آب کردنش کار سه ماه. در تمام این سال‌ها حس می‌کرد شوهرش کامران آدم خنثای بی‌تفاوتی است که دنیا را آب ببرد کامران می‌نشیند و پاهایش را توی آب می‌گذارد و تماشا می‌کند که دنیا و آدم‌های بیچاره چطور به فنا می‌روند. فرزانه سرخوشی‌های خودش را داشت. هنوز توی لیوان خاکشیرش نوشابه مشکی می‌ریخت و می‌گفت: «ما خوب و بدمون با هم قاتیه». توی آشپزخانه دور خودش می‌چرخید و می‌خندید و هیچ خبر نداشت که یک هفته‌ای می‌شد دستش برای خواهرشوهرش، زهرا، خانم معلمِ خانواده، رو شده بود. بوی سبزی تازه و حبوباتی که می‌جوشید، همراه بخار از لبه‌های قابلمه بالا می‌رفت و توی آشپزخانه می‌پیچید و راه می‌کشید تا طارمی خانه که بی‌بی روی ویلچرش نشسته بود و به حیاط و حوض و گیاهان انبوه آن نگاه می‌کرد. خانم معلم بیست‌وهفت‌ساله با قامت ترکه‌ای و دامن بلند گل‌دار، توی آشپزخانه ایستاده بود و هر چند دقیقه قابلمه آش را هم می‌زد که ته نگیرد. به فرزانه گفت: «ادامه نده فرزانه»

فرزانه داشت چیزی را توی ظرف‌شویی می‌شست. یک لحظه مکث کرد. گفت: «چی؟»

زهرا گفت: «می‌دونی درباره چی حرف می‌زنم... منم می‌دونم داری چیکار می‌کنی. به خاطر بچه‌ات هم که شده لطفا دیگه ادامه نده.»

شیر آب بسته شد. فرزانه اما همان‌طور ایستاده بود و انگار دست‌هایش را برای آب خیالی نگه داشته بود. گفت: «متوجه نمی‌شم.»

«میگن از دوستایی که چیزای غیراخلاقی براشون طبیعی شده دوری کنید. فکر می‌کنم تو این یکی دو سالی که مونا سروکله‌اش پیدا شده اثر بدی گذاشته روت. نمی‌خوام حرفای تکراری بزنم ولی اون روز پاپیچم شده بود این کیه به من پیام میده و انصافا خوب کارشو بلده. آخرشم ته و توشو درآورد که پدرِ یکی از شاگردامه و صبح و شب اس‌ام‌اس می‌فرسته» فرزانه برگشت. «ببین چرا حرفو می‌پیچونی زهرا. قشنگ بگو بدونم چی داری می‌گی.»

زهرا رفت پای قابلمه آش و شروع کرد هم زدن. «من با اون یارو دیدمت. ولی به کسی چیزی نگفتم. می‌دونم چند وقته با هم چت می‌کنید و قول و قرار می‌ذارین. تو بچه داری. بهتره نکنی این کارا رو. کامران اگر بفهمه...»

فرزانه خیره نگاه می‌کرد. «داری بهم تهمت می‌زنی»

«تو دخترخاله‌امی فرزانه. با هم بزرگ شدیم. بعدشم ما زنیم همدیگه رو درک می‌کنیم. دوست ندارم زندگی برادرم و تو از هم بپاشه.» فرزانه همانجا نشست. صورتش را با دست‌هایش گرفت:

«تو نمی‌تونی بفهمی من چی دارم می‌کشم»

«فرزانه ادامه نده. تو رو به هر کی می‌پرستی قَسَمت می‌دم. کامران حتما مقصره و کوتاهی کرده. ولی بهتره بین خودتون حلش کنید.»

فرزانه بلند شد. چهره‌اش بی‌حالت بود ولی اشک می‌ریخت. انگار به جای اشک، قطره‌های آب بی اسمی باشند که فقط از چشم‌هایش ترشح می‌شدند و روی گونه‌ها سر می‌خوردند. از آشپزخانه بیرون رفت. بی‌اینکه حرفی بزند.

پرده دوم : بی‌بی روی ویلچر نشسته و شعاع آفتاب تا دست‌های پیرش می‌رسد. می گویم «بی‌بی امروز چه رنگ و روت روشنه» به طرفم برمی‌گردد و لبخند می‌زند و می گوید: «امروز چه رنگ و روت روشنه» توی نگاهش می‌شود حس کرد که من را هم به یاد نمی‌آورد مثل همه چیزهایی که فراموش کرده. شاید توی ذهنش همه چیز مثل برگ‌های ریخته درختی است که پاییز به آن رسیده. فقط شاخه‌های خالی توی ذهنش دارد. تصویرهای قدیمی و خاطره‌هایی که به الانمان ربطی ندارند. می‌گویم: «خوش به حالت که تصادفشونو یادت نمیاد» نگاهم می‌کند: «خوش به حالت» دست‌های پیر و روشنش را می‌گیرم. چند لکه کوچک قهوه‌ای دارند. می‌گویم: «دلم برا مامان تنگ شده. باید این روزا می‌بود» نگاهم می‌کند و لبخند می‌زند. می گوید: «دلم برات تنگ شده»

ادامه دارد...

کلاهبرداری با مرگ نمایشی

۱۱ شهروند مشهدی به قصد کمک به یک تبعه اندونزیایی، ۲۰۰ میلیون تومان تلکه شدند

محمد جواد ابوعطا
m.abouata@shahraranews.ir

زن میان‌سال اندونزیایی در بیمارستانی در لندن، کارهای درمانش را درمانی‌اش را می‌گذراند، فیلمی که از این بیمار نشان داده شده بود همین واقعیت را نمایش می‌دهد. به گفته پزشکانش او به زودی چشم از جهان فرو می بندد، آن هم در شرایطی که سال‌ها قبل همسرش را از دست داده و هیچ فرزندی نداشت اما رازی در سینه این بیمار وجود داشت که ارزشش یک میلیون دلار بود، به پول خودمان چیزی حدود ۱۷ میلیارد تومان. زن می‌خواست این مبلغ را به دست یک ایرانی معتمد برساند تا از طریق او این پول به نیازمندان واقعی در کشور برسد. تنها راهی که به ذهنش رسید، فضای مجازی بود. به طوری که هم‌زمان با اعلام درخواستش، ده‌ها نفر به صف شدند تا شاید از این سفره چیزی نصیبشان شود، اما نه تنها چیزی به دستشان نرسید که آنچه داشتند و نداشتند را هم از دست دادند.

شنبه گذشته ۱۱ شهروند مشهدی با مراجعه به دستگاه قضا و دریافت مرجوعه قضایی برای رسیدگی به شکایتشان به پلیس فتای خراسان‌رضوی مراجعه کردند. شکایت این افراد همگی مشابه هم بود و آن‌ها برای کمک به یک زن خارجی بازی خورده بودند. با توجه به اینکه احتمال افزایش مال‌باختگان وجود داشت، سرهنگ جواد جهانشیری، رئیس پلیس فتای خراسان‌رضوی پس از بررسی اظهارات شکات، دستور پیگیری خارج از نوبت این پرونده را صادر کرد.

کارشناسان پلیس فتا، با فراخواندن مال‌باختگان و شنیدن اظهاراتشان متوجه شدند فردی با سوءاستفاده از احساسات مذهبی این افراد در فضای مجازی، دامی برایشان پهن کرده و پس از کسب اعتماد این افراد، تمام اندوخته آن‌ها را بالا کشیده است.

● زن پول‌دار در بستر احتضار

ماجرای این پرونده اما از آنجا آغاز می‌شود که یک زن اندونزیایی در فضای مجازی با این ادعا که می‌خواهد در عمل به وصیت شوهر مرحومش، یک میلیون دلار به نیازمندان واقعی در ایران کمک کند، از افرادی که می‌توانند او را در این راه یاری کنند درخواست کمک می‌کند. او در پاسخ به اینکه چرا سراغ نهادهای دولتی همچون کمیته امداد یا صلیب‌سرخ (هلال‌احمر) نمی‌رود، اعلام کرد که اکنون در بستر بیماری به سر می‌برد و در بیمارستانی در لندن بستری است و حتی قدرت تکلمش را هم از دست داده و تنها می‌تواند بنویسد. زن مدعی شده بود که اگر بخواهد سراغ نهادهای دولتی برود تا اقدامات قانونی انجام شود، ممکن است عمرش به دنیا نباشد و بمیرد.

در این بین شهروندانی که نیت اولیه‌شان صرفا کمک بود، وقتی فهمیدند که می‌توانند بین ۳ تا ۶ درصد این پول را به عنوان حق‌الزحمه بردارند، طمع یک میلیارد تومانی پول بادآورده چشمشان را کور و آن‌ها را وارد رقابتی موهوم کرد. رقابتی که مانند تارهای عنکبوت هر چه جلوتر می‌رفتند، رشته‌هایش بیشتر به دست و پایشان می‌پیچید.

زن خارجی مرحله به مرحله نقشه کار را جلو می‌برد. او ابتدا برای اینکه مخاطبانش از وجود او مطمئن شوند و بدانند که قصد سوئی ندارد، فیلمی از خودش که از سوی یک پرستار در بیمارستانی در لندن ضبط شده بود را برای آن‌ها ارسال کرد. با توجه به تحریم‌های پولی و بانکی انجام عملیات انتقال پول به حساب‌های بانکی داخلی میسر نبود برای همین قرار شد تا پول‌ها از طریق هوایی به شکل چمدانی به کشور انتقال داده شود. البته چمدانی نه از جنس چمدان‌های مسافرتی خودمان بلکه یک کیف پیشرفته که شباهت به یک گاوصندوق کوچک داشت. زن بیمار از تمام مراحل اقدامش در ارسال این محموله ارزشمند برای مخاطبانش فیلم و عکس می‌فرستاد و همواره از اینکه این پول‌ها به نیازمندان واقعی نرسد واهمه داشت.

● یک مشکل ۳ درصدی

او برای راحت شدن عملیات انتقال پول‌ها یک فرد دیپلمات را برای انجام امور گمرکی، پرواز و دیگر اقدامات لازم به مخاطبش معرفی کرد و گفت بلافاصله که پرواز در فرودگاه مهرآباد به زمین بنشیند، این فرد با شما تماس می‌گیرد و خودتان شخصا باید در فرودگاه حاضر شوید و کیف را تحویل بگیرید. او در ادامه اطلاعاتی قانونی به زبان انگلیسی برای مخاطبش فرستاد، اطلاعاتی که حاکی از وجود برخی قوانین هوایی و بین‌المللی بود. در بخشی از این قوانین که مرتبط با ایران بود، انتقال پول نقد تنها در صورتی ممکن می‌شد که مبلغی حدود ۳ درصد مالیات مبارزه با پول‌شویی نیز پرداخت شود.

مشکل کار همین‌جا بود که این زن خارجی امکان دسترسی به حساب‌های ایرانی را نداشت و باید این اقدام را فردی در داخل کشور انجام می‌داد. وقتی کار تا این مرحله پیش رفته بود و تصاویر مربوط به لحظه بسته‌بندی پول‌ها، قرار گرفتن درون چمدان، واگذاری رمز فوق سری چهاررقمی به طرف ایرانی، بسته‌بندی کارتن و حتی خوردن مهرهای شرکت‌های هوایی خارجی روی کارتن، برای طرف ایرانی ارسال شده بود، پرداخت مبلغ جزئی مالیات دیگر مشکل بزرگی نبود و تعدادی از همین افراد معتمد حاضر شدند تا در یک قمار مجازی این هزینه را هم متقبل شوند و در این کار خیر سهیم باشند.

● از فروختن منزل تا پول‌های جهیزیه نوعروس

بررسی‌های کارشناسان پلیس فتای خراسان‌رضوی که به اینجا رسید مشخص شد یکی از شاکیان با فروش منزل مسکونی‌اش در مشهد ۶۶ میلیون تومان به حساب ناشناس واریز کرده است. دیگری با مراجعه به اطرافیانش هزینه جهاز یک نوعروس را برای چند روز قرض گرفته بود و قول تهیه یک جهیزیه کامل را به پدر عروس داده بود و مبلغ ۲۷ میلیون تومان را به حساب فردی ناشناس واریز کرده بود.

کارشناسان پلیس در بررسی‌های بعدی پرونده متوجه شدند، پای فردی ناشناس در این پرونده باز است که مال‌باختگان از حضور او بی‌اطلاع بوده و خیال می‌کرده‌اند مستقیم با زن خارجی در ارتباط هستند. آن‌ها در مجموع مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان را بادست خود به این زن ناشناس داده بودند و در انتظار رسیدن کیف پول‌ها بودند اما نه تنها چمدان به دستشان نرسد که زن بیمار هم تمام راه‌های ارتباطی‌اش مسدود کرد.

● درجست‌وجوی زن شیاد

این پرونده تناقضات زیادی داشت و تنها مدارک موجود چندین فیلم و عکس در فضاهای بسته بود که به راحتی نمی‌توان از روی آن‌ها متوجه شد این فیلم و عکس‌ها در کجا تهیه شده است. از سویی متهمان این پرونده تمام مدت ارتباط‌های خود را به صورت مجازی انجام می‌دادند که همین موضوع پروسه پیگیری پرونده را پیچیده‌تر می‌کند. البته کارشناسان پلیس فتا این احتمال که متهمان در تمام مدت داخل ایران بوده باشند را بعید نمی‌دانند و پیگیری پرونده تا دستگیری متهمان آغاز شده است.

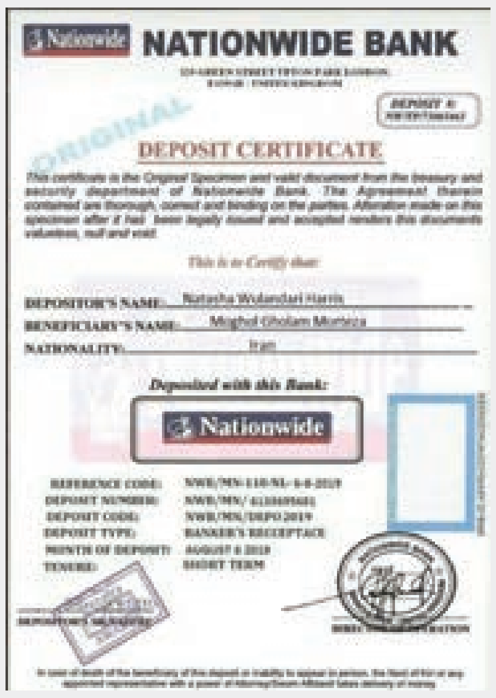

NATIONWIDE BANK

DEPOSIT CERTIFICATE

This is to Certify that:

DEPOSITOR'S NAME: Natasha Wulandari Harris

BENEFICIARY'S NAME: Mighad Gholam Morteza

NATIONALITY: Iran

Deposited with this Bank:

Nationwide

REFERENCE CODE: NWB/MN-110-NL-6-8-2019

DEPOSIT CODE: NWB/MN/DEPO 2019

DEPOSIT TYPE: BANKER'S RECEIPTACE

MONTH OF DEPOSIT: AUGUST 6 2019

TENURE: SHORT TERM

تصاویر اختصاصی شهرآرا

قهرمانان شهر

حال «رضا» خوب است

روایتی از آخرین وضعیت آتش‌نشان مشهدی که در حین مأموریت دچار حادثه شد

مهدی قرآنی
m.ghorani@shahraranews.ir

همه چیز در یک چشم بر هم زدن اتفاق افتاد. جیغ ترمز پژو زمانی به گوش رسید که دیگر کار از کار گذشته بود. راننده از خودرو پیاده شد و دست‌هایش را روی سرش گرفت. دو همکار «رضا» هم صحنه تصادف را رها کرده و به سمت او دویدند. موضوع به اورژانس اعلام شد و زمانی نگذشت که خودروی آمبولانس در محل حاضر شد. بدن نیمه‌جان «رضا ابراهیمی»، آتش‌نشان فداکار مشهدی به بیمارستان فارابی انتقال داده شد.

جراحات و شکستگی او عمیق بود و آتش‌نشان جوان باید تحت عمل جراحی قرار می‌گرفت. اتاق عمل بلافاصله آماده شد و رضا زیر تیغ جراحی رفت. بعد از گذشت یک روز رضا ابراهیمی به بیمارستان مهر انتقال داده شد و در آنجا هم تحت یک عمل جراحی دیگر قرار گرفت.

عکس: آتش‌نشانی

بنا بر گزارش کادر پزشکی بیمارستان مهر، آتش‌نشان فداکار مشهدی از ناحیه پا و سر دچار آسیب جدی شده بود که اگر دیرتر به بیمارستان می‌رسید احتمال هر اتفاق ناگواری وجود داشت. روز گذشته طبق نظر پزشک معالجش رضا ابراهیمی به خانه منتقل شد و تحت مداوا قرار گرفت. ظهر دیروز برادر این آتش‌نشان فداکار مشهدی در تشریح حال رضا ابراهیمی گفت که حال عمومی وی خوب است. او به کتمان این حادثه از خانواده‌اش اشاره کرد و گفت: «چون سطح آسیب‌دیدگی رضا زیاد بود برای همین تا روز پنجشنبه موضوع حادثه را از همسر و خانواده مخفی کردم تا مشکلی برای آن‌ها به وجود نیاید.»

مدیر عامل سازمان آتش‌نشانی مشهد اما درباره جزئیات این حادثه گفت: ساعت ۲۳ شامگاه سه‌شنبه بیست‌وهفتم خرداد گزارش یک فقره تصادف در زیر پل جمهوری اسلامی واقع در میدان تلویزیون به سامانه فوریت‌های ۱۲۵ اعلام شد و با توجه به نشت سوخت دو خودروی آسیب دیده، ۳ نفر از نیروهای اطفایی از ایستگاه ۴۷ به محل اعزام شدند.

امیر عزیزی ادامه داد: ۲ نفر از مأموران در صحنه حادثه مشغول قطع جریان برق ۲ خودرو بودند و رضا ابراهیمی، آتش‌نشان مصدوم شده هم چند متر آن طرف‌تر با تجهیزات کامل وظیفه آگاه‌سازی خودروهای عبوری را داشته است که در این میان یک دستگاه خودروی سواری پژو ۴۰۵ بدون توجه به علائم هشدار دهنده صحنه حادثه و تابلوهای ایست با رضا ابراهیمی تصادف می‌کند. این مقام مسئول بیان کرد: در زمان وقوع حادثه عوامل پلیس راهنمایی و راننده هم در صحنه حضور داشته‌اند که بلافاصله موضوع به اورژانس اعلام و رضا ابراهیمی به بیمارستان منتقل شد.

به گفته عزیزی در این ۲ سانحه رانندگی غیر از مصدومیت آتش‌نشان مشهدی به هیچ یک از رانندگان و سرنشینان ۳ دستگاه خودروی سواری آسیب نرسیده است.

سرهنگ مهراب کاظمی، فرمانده انتظامی شهرستان بندرلنگه: مأموران با مشاهده یک خودروی تویوتا سواری اف جی کروز بدون پلاک، این خودروی دو میلیارد تومانی را توقیف کردند که مشخص شد از طریق گمرک به صورت یک ماهه وارد کشور شده و بدون پلاک موقت و گذشت چندین ماه از کشور خارج نشده است. این خودرو توقیف شد.

جدول شماره: ۲۹۵۴

طراح: محمدرضا علیزاده

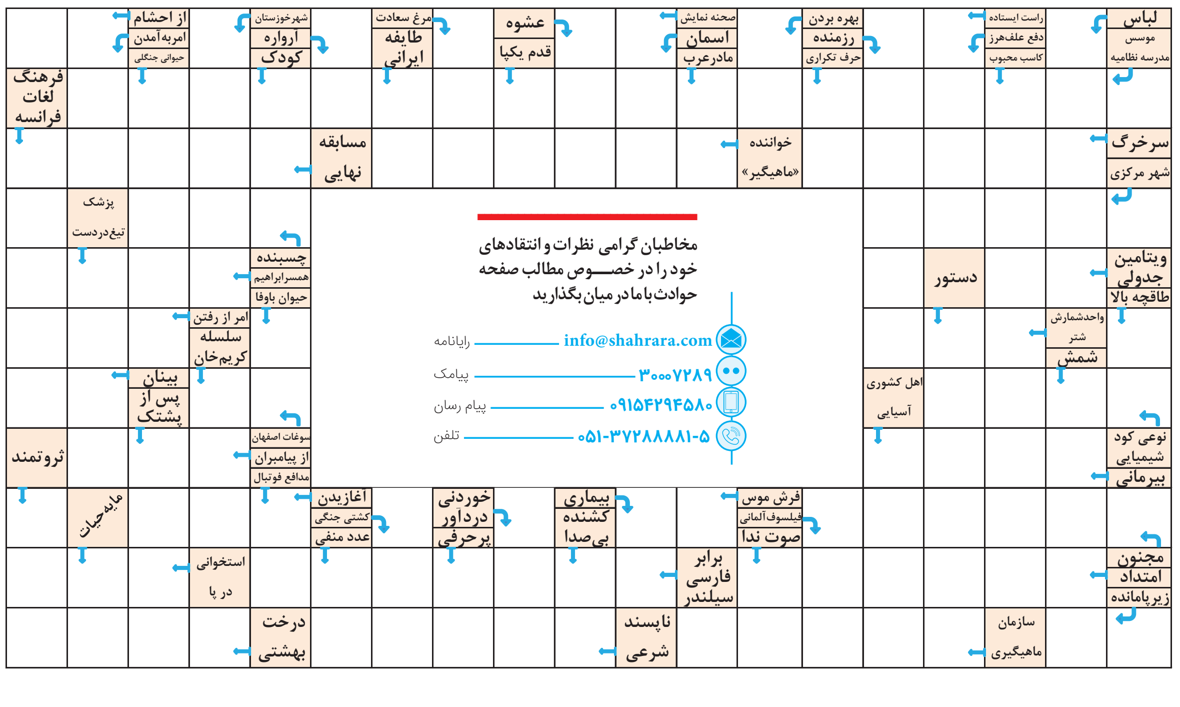

مخاطبان گرامی نظرات و انتقادهای خود را در خصوص مطالب صفحه حوادث با ما در میان بگذارید

رایانامه info@shahrara.com
پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹
پیام رسان ۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰
تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

پاسخ جدول ۲۹۵۳

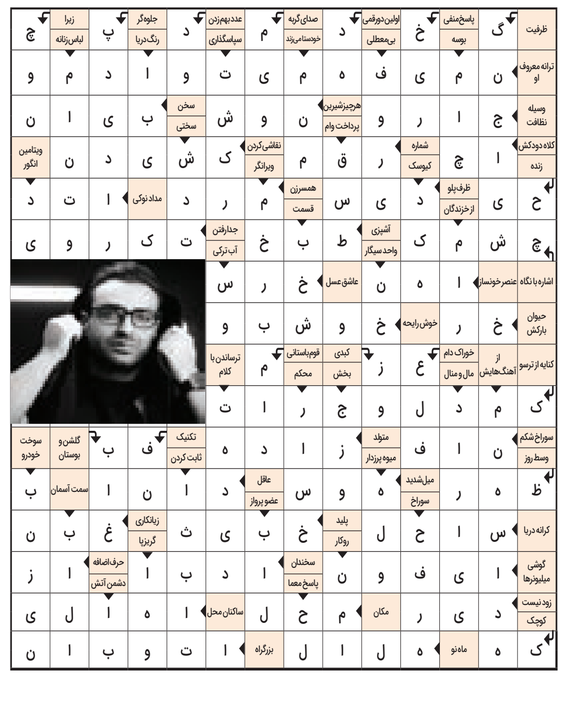طراح: امیرعباس واسعی